روزنامه شرق

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۹ • ۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۸ نوامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۵۸ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

در ۴ سال دوم دولت روحانی چه گذشت؟

تجربه تلخ دولت روحانی با ترامپ

گروه سیاست: اگر حسن روحانی فرصت کند تا کتاب خاطرات دوران ریاست‌جمهوری خود را بنویسد قطعا چهارسالی که دولت او با دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا هم‌زمان شد، از جذاب‌ترین فصل‌های آن خواهد بود...

صفحه ۳

یادداشتی از دارون عجم اوغلو

ترامپ آخرین پوپولیست آمریکایی نیست

گروه جهان: پس از چهار سال نابسامان و وحشتناک، بسیاری از آمریکایی‌ها می‌خواهند باور کنند که ایالات متحده در آستانه آغازی جدید است. به نظر می‌رسد «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهوری پیشین توانسته «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا...

صفحه ۸

با اعلام نتایج آرا در پنسیلوانیا و نوادا جو بایدن پیروز شد

دست رد به پوپولیسم

بایدن قول داده رابطه آمریکا با هم‌پیمانانش را ترمیم کند

موضع تازه و متفاوت ظریف درباره آمریکا

مشخص است بین بایدن و ترامپ تفاوت است

عکس: AP

صفحه‌های ۴ و ۸

سرمقاله

سرخوردگی روانی و جامعه‌ستیزی ترامپیسم

کیومرث اشتریان . استاد دانشگاه تهران

بخشی از طرفداران ترامپ از مشکلات روانی رنج می‌برند؛ و البته نه همه آنان. یکی از ویژگی‌های دونالد ترامپ در دوران چهار سال ریاست‌جمهوری‌اش گرایش روانی او به افزایش منازعات داخلی و خارجی بود. چنین شخصیت‌هایی در گوشه و کنار ما، کم نیستند. در محیط‌های محدودتر، در قوم‌وخویشان، در اداره، در شهر و کشور کسانی هستند که با روش و منش و روحیات خاصی که دارند، به‌سرعت جمع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلافاصله دوقطبی ایجاد می‌کنند و به‌اصطلاح «همه را به جان هم» می‌اندازند. چنین شخصیت‌هایی، فتنه‌انگیز و در نهایت جامعه‌ستیزند؛ چون جامعه اساسا یعنی سازگاری و اینها ناسازگاری را در سویه‌های گوناگون دامن می‌زنند. هرچند ترامپ صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی بود اما گویی از حقارتی ذاتی رنج می‌برد. تلاش او همواره بر آن بود که در جامعه آمریکایی از خود یک «کارآفرین موفق» نشان دهد؛ چیزی که نبود. کارآفرینی او با تردید و تمسخر مواجه بود. مشهور است که در فرهنگ سیاسی آمریکا «مردانی که آمریکا را ساخته‌اند» کسانی بوده‌اند که با تلاش نوآورانه ثروتمند شده‌اند و نه از راه خرید و فروش املاک و مستغلات. شخصیت جاه‌طلبی نظیر ترامپ این رنج تحقیرآمیز را همواره بر دوش خود احساس می‌کرد. او نه راکفلر بود که از راه تصفیه نفت و خط لوله و خط آهن ثروتمند شده باشد، نه مورگانِ خطرپذیر در صنعت برق، نه فورد خودروساز و نه بیل گیتس و نه استیو جابز بود. او بسازبفروش بود. تعریف‌هایی که گاه و بیگاه از خود می‌کند گونه‌ای از خودشیفتگی را به نمایش می‌گذارد که در واقع واکنشی به آن تحقیرهاست.در سطحی عمومی، در ادبیات نظریه انتقادی عبارت «طبقه فرودست» برای مردمی به‌کار می‌رود که به لحاظ اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی از سلسله‌مراتب قدرت طرد شده‌اند. به نظرم نام‌گذاری «طبقه فرودست» وجه محدود اقتصادی (طبقاتی) دارد و قابل مناقشه است و ویژگی‌های روانی و روان‌شناسی اجتماعی را پوشش نمی‌دهد. ترامپ ویژگی افراد «جامعه‌ستیز» را دارد که در زیر انبوهی از ثروت پنهان شده است. جامعه‌ستیزی هم وجهی داخلی دارد و هم وجهی بین‌المللی. ترامپ طرفدارانی در جهان و از جمله در ایران داشت که اغلب از همین ویژگی جامعه‌ستیزی رنج می‌برند و رنج می‌دهند. آنانی که به دلیل ویژگی‌های روانی به سراغ ترامپ رفته‌اند، شایسته مطالعه‌اند. نمی‌دانیم از ۷۰میلیونی که در آمریکا به او رأی داده‌اند و از نمونه‌های ایرانی‌شان چه تعداد ذیل این‌گونه نابسامانی‌های روانی جای می‌گیرند. آنچه اجمالا می‌دانیم این است که جامعه‌ستیزی، نوعی واکنش روانی در افرادی است که از ویژگی‌های مشابهی برخوردارند. شاید مهم‌ترین ویژگی ایشان این است که علیه هسته‌های مفهومی قدرتِ اجتماعی یا بین‌المللی عمل می‌کنند. مثلا با مفاهیم و موضوعاتی مانند تغییرات آب‌وهوایی، همکاری‌های بین‌المللی، گرایش‌ها و برداشت‌های علمی و عمومیِ معطوف به مبارزه با کرونا و... مخالفت می‌کنند. در این راه با هر کسی، از جمله با دشمنان خویش نیز ائتلاف می‌کنند؛ البته ائتلاف‌های ضداجتماعی. اغلب، اینها مطرود جریان‌های اصلی فکری و اجتماعی‌اند و توسط جریان‌های دامنه‌دار و ساخت‌یافته قدرت تاریخی-سیاسی که در گذر زمان جا افتاده‌اند، به بازی گرفته نمی‌شوند. از این رو راه میانبری که برایشان باقی می‌ماند، جامعه‌ستیزی است که بتوانند به‌سرعت بر این جریان‌های جاافتاده تاریخی فائق آیند. این راه میانبر برای اقشار محرومی که در آفریقا، آسیا، اروپا و... زندگی می‌کنند، ترور و کشتار است و برای جامعه‌ستیزانی که صاحبان ثروت‌اند، تخریب بنیان‌های اجتماعی سازگاری ملی و بین‌المللی. اگر بخواهم روشن‌تر سخن بگویم، نمونه‌ای از ایران را نشان می‌دهم. در ایران، دو جریان اصلی قدرت در طول تاریخ ۴۰ساله شکل گرفته است: اصلاح‌طلبی و اصولگرایی. شماری از بازیگران خواهان قدرت نمی‌توانند جذب این دو جریان اصلی شوند؛

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

خطوط سیاست خارجی بایدن

کوروش احمدی

با توجه به اینکه «آمریکا نخست» عنوان اصلی و عمده سیاست خارجی ترامپ بود، بسیار محتمل است که سیاست خارجی بایدن در صورت پیروزی، بازگشت به سیاست سنتی آمریکا در دوره بعد از جنگ جهانی دوم باشد که هر دو حزب اصلی آمریکا درباره خطوط اصلی آن اجماع داشتند. به این معنا که بایدن در مواردی به سرعت و در مواردی با تأنی و آرامی، سیاست خارجی ترامپ را معکوس خواهد کرد و به سیاست خارجی سنتی آمریکا بازخواهد گشت. درحالی‌که ترامپ در چارچوب سیاست «آمریکا نخست»، ناسیونالیسم اقتصادی، سیاست‌های حمایتی، دشمنی با تجارت آزاد و روند جهانی‌شدن را در دستور کار داشت، بایدن در جهت فاصله‌گرفتن از این سیاست‌ها حرکت خواهد کرد. البته گفتنی است که هم‌زمان شبح وجهی از سیاست خارجی ترامپ که به نحوی دیگر از طرف برنی سندرز هم تقویت می‌شد، تا مدت‌ها بر هر دو حزب سنگینی خواهد کرد؛ وجهی که معطوف به بازگرداندن مشاغل ازدست‌رفته بر اثر روند جهانی‌شدن بود و مورد اقبال سفیدپوستان یقه‌آبی و نیز بخشی از رنگین‌پوستان قرار دارد. از این‌رو می‌توان گفت «آمریکا نخست» ترامپ تا حدودی مهر خود را بر سیاست خارجی آمریکا زده و بعد از این کمتر رئیس‌جمهوری در آمریکا می‌تواند به این مضامین بی‌اعتنا باشد.وجه دیگر سیاست خارجی ترامپ که بایدن در راستای معکوس‌کردن آن حرکت خواهد کرد، یک‌جانبه‌گرایی افراطی و بدون تعارف او است. بایدن در این چارچوب در جهت بازگشت به سیاست خارجی سنتی فراحزبی آمریکا، معطوف به بازگشت به نوعی بین‌المللی‌گرایی لیبرال اقدام خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۲

یادمان

سرمایه امروز و امید آینده

سیدمحمود حسینی

ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا مسلمین

خبر پرکشیدن ناگهانی برادری مخلص و توانا جانباز عزیز محمدرضا نجفی باعث اندوه فراوان شد. در دوره چهارساله نمایندگی مجلس دهم با احساس مسئولیتی کم‌نظیر گام‌های بلندی در جهت اصلاح مدیریت کشور و مبارزه با فساد برداشت. او پیگیر طرح تحقیق‌وتفحص خودرو بود و خود ریاست این طرح را بر عهده گرفت و با وجود مقاومت پیدا و پنهان منفعت‌جویان، جانانه پای آن ایستاد و همه گلوگاه‌های فساد در این صنعت را استخراج و طرح‌های پیشنهادی مؤثری تهیه و در آخرین روزهای مجلس دهم به تصویب رساند. به واقع این طرح راه نجات و بلکه مانیفست اصلاح صنعت خودرو کشور است که متأسفانه راحت از کنار آن عبور شد.

وی در کنار انجام وظایف نمایندگی با جمعی از نمایندگان و دوستان همفکر همکاری فعالی در تشکیل سمن ضد فساد جهد (جمعیت هم‌اندیشان دادخواه) داشت.

کار دیگر زنده‌یاد نجفی اقدام به تشکیل فراکسیون اقتصاد دریامحور بود که نمایندگان ذی‌ربط و علاقه‌مند مجلس دهم را گرد هم آورد تا راهکارهایی سازنده و کارساز برای بهره‌گیری از ظرفیت مهم دریا و سواحل طولانی آن شناسایی شود.

این عزیز سفرکرده همواره از درد مردم و بی‌عدالتی‌ها رنج می‌کشید و ضمن اینکه این رنج را در درون خود فرومی‌خورد؛ اما هرکاری از دستش می‌آمد برای بازکردن گره‌های کار مردم فروگذار نمی‌کرد.

او به‌راستی سرمایه امروز و امید آینده کشور بود. خداوند این انسان ارزشمند را غریق رحمت واسعه خود کند و به خانواده و همه دوستان و بستگانش صبر و اجر عطا فرماید. آمین.

یادمان

نجفی این‌بار نماند

محمدرضا سعیدی

محمدرضا نجفی یکی از بهترین‌ها بود. از زمان دانشجویی می‌شناختمش؛ دانشجوی فعال ایام جوانی در دانشگاه امیرکبیر، از رزمندگان و جانبازان جنگ و دفاع مقدس. نماینده مردم تهران در مجلس دهم و عضو کمیسیون صنایع. تحقیق‌وتفحص از صنعت خودرو از اقدامات برجسته او برای دفاع از حقوق موکلان خود و مشخص‌شدن عیوب خودروسازان بود. توانمندی، تقوا، دانش، مهارت و پاکدستی در کنار برخورداری از فهم درست از مدیریت، از او چهره‌ای شایان تحسین ساخته بود. نجفی، باوقار، آزاد و رها از قیدوبندهای مادی بود. اگر او را شهید زنده بنامم، معنای غریبی نیست؛ چراکه آثار زخم‌های جنگ هشت‌ساله، مدالی بر جسم و جانش بود، هرچند از این یادگار، رنج‌های فراوان کشید. با پایان دوران نمایندگی در مجلس دهم در بهار سال جاری، به دلیل نیاز به دانش، مهارت و توانمندی او، بارها دعوت کردم که به مجموعه ما بپیوندد؛ اما هر بار به نحوی از پذیرش آن طفره می‌رفت. حتی پیشنهاد دادم حاضرم تحت مدیریت عاملی او، مثل یک سرباز در پتروشیمی جم کار کنم. نجفی از مدیرانی بود که به دلیل تجارب و تخصص، ظرفیت اداره بنگاه‌های بزرگ کشور را داشت و حتی می‌توانست در جایگاه وزارت، در فضای بسیار دشوار امروز خدمت‌رسانی به مردم و رشد و ارتقای بهره‌وری در حوزه صنعت، اقداماتی ماندگار و مؤثر انجام دهد. پنجشنبه هفته گذشته، جلسه‌ای طولانی با هم داشتیم و پس از حدود سه ساعت گفت‌وگو درباره ابعاد مختلف همکاری و اهمیت حضور او در میدان صنعت کشور، پذیرفت به‌عنوان مشاور در کنار هم به پیش برویم. حکمش را همان پنجشنبه ثبت کردم. عجیب بود که گفت فقط آن را سه روز نگه دار و فعلا اعلام نکن. من هم آن را صادر کردم، ولی در روند اداری به گردش درنیاوردم. به محمدرضا گفتم حضورش خودبه‌خود میدان مغناطیسی را ایجاد خواهد کرد معطوف به مبارزه با فساد... چراکه فساد، این روزها بیش از تحریم، حوزه تولید، خدمات و کسب‌وکار این مرزوبوم را تهدید می‌کند. مصاحبت با او آرام‌بخش بود. از شنیدن خبر پذیرش دخترش در دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز خوشحال بود.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ویژگی نماینده مدیران مسئول

نعمت احمدی
حقوق‌دان

دو روز به انتخاب نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات باقی مانده است. نماینده‌ای که باید سرنوشت مدیران مسئول مطبوعات و به تبع آن سرنوشت خانواده مطبوعات را نمایندگی کند. حال که نماینده فعلی بعد از ۱۶ سال عضویت مستمر عدم تمایل خود به نمایندگی را اعلام کرده است، مدیران مسئول باید کوشش کنند گزینه مناسبی که جایگاه خود به عنوان نماینده و حافظ منافع مطبوعاتی‌ها را بشناسد، انتخاب کنند؛ امری که در ادوار گذشته از آن محروم ماندند. در گذشته، افرادی انتخاب شدند که بیشتر جایگاه دولتی داشتند تا جایگاه مدیرمسئول مستقل. به گذشته نگاه کنیم؛ افرادی مانند افتخار جهرمی یا همین آقای حسین انتظامی، در کفه ترازو گذاشته شوند. دولتی‌بودن آنان به‌مراتب بر مطبوعاتی‌بودن آنان از این منظر که دست در جیب کنند و حقوق اعضای تحریریه و هزینه سرسام‌آور چاپ، تولید و توزیع را بپردازند، می‌چربد. چه‌بسا آنان در هیچ زمانی دغدغه روشن‌بودن چراغ تحریریه را نداشته‌اند. مدتی قبل روزنامه جهان صنعت در پی چاپ مصاحبه با فردی که بارها خود را عضو ستاد ملی مبارزه با کرونا در جراید معرفی کرده و با اکثر رسانه‌های نوشتاری و گفتاری مصاحبه کرده بود، توسط هیئت نظارت بر مطبوعات با توقف انتشار مواجه شد. پنج عضو از اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات، نماینده قوه قضائیه، وزارت علوم، حوزه علمیه، شورای انقلاب فرهنگی و نماینده وزارت ارشاد و دو عضو دیگر، یکی نماینده‌ای از بین وکلای مجلس و دیگری نماینده‌ای از بین مدیران مسئول روزنامه‌هاست. کافی است به دستور صادره از هیئت نظارت بر مطبوعات مبنی بر تعطیلی روزنامه جهان صنعت توجه کنیم. نماینده مدیران مسئول که باید حقوق قانونی مدیران مسئول را به دلیل نمایندگی انتخابی حفظ کند، آیا در این پرونده یعنی توقیف روزنامه جهان صنعت به وظیفه خود عمل کرد؟ به باور نگارنده این ترکیب اعضا باید تغییر کند و تعداد نمایندگان مدیران مسئول اضافه شود. باید به تعداد روزنامه‌ها و نشریات توجه کرد و با تکیه بر وزن مطبوعات نماینده برای آنان تعیین کرد و مهم‌تر اینکه باید نماینده‌ای را جزء کاندیداها معرفی کرد که درواقع نماینده مطبوعات حرفه‌ای و مستقل باشد و نه مطبوعات دولتی که مدیران مسئول این نوع مطبوعات دغدغه روزنامه‌نگاری ندارند.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

عصر پساترامپ چگونه خواهد بود؟

سامان صفرزائی

«دون پدرو، پادشاه پرتغال در غم ازدست‌دادن همسر محبوبش درمانده و بیچاره بود، او عقل خود را از دست داد، و در دیوانگی‌اش تمایلی مهارناشدنی به رقصیدن یافت. اواخر شب به خیابان می‌رفت، و زیر نور موحش فانوس خیابان‌ها، با صدای فلوت دیوانه‌وار می‌رقصید. شهروندان خواب‌زده که با آن صدا بیدار می‌شدند، به دنبالش راه می‌افتادند، به آن رقص جنون‌آسا ملحق می‌شدند، گاهی اوقات تمام شب را می‌رقصیدند». بوریس سیدیس، فوریه ۱۸۹۵ با ذکر این روایت در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه توده‌ها»کوشید آنچه دانشمندان علوم انسانی در دهه‌های اخیر، پوپولیسم از منظر وخیم و متخاصم علیه ارزش‌های دموکراتیک توصیف می‌کردند اما در آن زمان عنوانی نداشت را موشکافی کند. سیدیس، فیلسوف و روان‌کاو که با تخصص «رفتارشناسی حالات غیرطبیعی» در دانشگاه هاروارد مشغول به کار بود، در تبیین آنچه در اواخر قرن نوزدهم کماکان از منظر مفهومی مبهم بود اما بروز سیاسی‌اش، هم در خود ایالات‌متحده و هم در اروپای پرتلاطم قرن نوزدهم به چشم خورده بود، از وضعیت «هیپنوتیزم»شده نام می‌برد تا این «ناآشناپنداری» اجتماعی-سیاسی را قدری مشخص‌تر توضیح دهد: «هیپنوتیزم می‌تواند به‌واسطه هیجانات یا احساسات شدید ایجاد شود. بیمار هیپنوتیزم می‌شود و در نتیجه تحت اطاعت هیپنوتیزم‌گر قرار می‌گیرد. ما همین مقوله را در توده نیز می‌بینیم. به‌واسطه یک فعل و انفعال قدرتمند و ناگهانی هیپنوتیزم می‌شود و برای مدتی تحت اطاعت کسی درمی‌آید که او را هیپنوتیزم کرده است. تحت اطاعت رهبر شورشی‌ها، تحت اطاعت قهرمان». ایده‌های سیدیس در یک مطبوعه آمریکایی منتشر شد و ماهیت یک پژوهش آکادمیک نداشت اما به نظر می‌توان آن را جزء نخستین لحظاتی دانست که دانش سیاسی با مفهوم «بحران» (به‌مثابه کنش قدرتمند و ناگهانی) و «مسخ‌شدگی توده» توسط حکمران عوام‌فریب آشنا شد، بعدها ظهور جنبش فاشیسم در ایتالیا و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی بیش از پیش وجه ویران‌کننده «هیپنوتیزمِ» توده توسط «رهبر شورشی» و متعاقبا بروز شکلیِ غیرمدنی و شرارت‌بار از اتوریته و امر اطاعت در میان «پیشوا» و «توده» را برملا ساخت. بااین‌حال در تمام دهه‌های پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ (تولد سیاست مدرن در غرب)، درحالی‌که تمام اروپا و اغلب دموکراسی‌ها، یک یا (مثل ایتالیا) چند بار تجربه‌های ترسناک یا قابل‌تحملی از مواجهه با هیپنوتیزمِ «پسابحرانیِ» توده و رام‌شدگی آن توسط...

ادامه در صفحه ۴

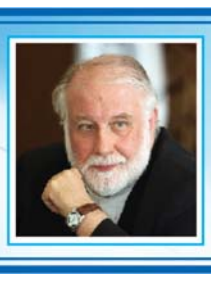

عایق: محافظ ثروت ملی

شرکت پشم سنگ ایران